كدام نشانه؟ land mark or sign? - آويده كامراني

قسمت اول

مقدمه

واژه فارسي نشانه به عنوان معادل انتخاب شده براي دو مفهوم متفاوت در حوزه طراحي شهري، امروزه يكي از آشناترين واژگان كليدي اين دانش به حساب مي‌آيد. مفهوم اول ، نشانه از ديدگاه كوين لينچ است، معادل با واژه انگليسي land mark . استفاده از اين واژه در ادبيات طراحي شهري ، نسبت به آن چه كه نشانه شناسي نشانه ميداند، بيشتر متداول و مسبوق به سابقه است. نشانه در دانش نشانه شناسي نوين با معادل انگليسي sign ،اگر چه بدوا در دانش زبانشناسي بازشناسي شده و مورد مطالعه قرار گرفته است، اما به لحاظ كاربرد مفهومي خود ،پس از زبان به نظامهاي نشانه‌اي ديگر چون تاتر و سينما، موسيقي، عكاسي و اخيرا معماري و طراحي شهري تسري يافته و مورد بحث و بررسي واقع شده است. اين مقاله سعي بر آن دارد تا با مروري بر روي مفهوم نشانه از ديدگاه لينچ كه ذاتا متعلق به فضاي شهري و دانش هاي مرتبط با آن است و از سوي ديگر با بررسي مفهوم نوپاي نشانه برگرفته از رويكرد نشانه شناسانه به شهر به عنوان يك نظام نشانه‌اي،‌ مرزهاي ميان اين دو مفهوم را كه در زبان فارسي معادل يكساني براي آنها برگزيده شده است، تدقيق كند.

نشانه LAND MARK

كوين لينچ، شهرساز معروف امريكايي، در سال 1960 با مطالعه اي كه در مورد سه شهر بوستون، لوس آنجلس و جرسي سيتي انجام داد، به نتايجي دست يافت كه نشان مي‌داد، مردم شهر را از طريق عناصر مشخصي كه تصور ذهني آنان را نسبت به شهر شكل ميدهد، ميشناسند. لينچ با تجزيه و تحليل برداشتها و انجام مطالعات خود، بيان كرد كه مردم در جهت خوانايي، به خاطر سپردن شهر، جهت يابي و آدرس دهي و نظاير اين از عناصري كمك ميگيرند. اين عناصر توسط لينچ به 5 دسته عمده ، گره، لبه، راه، نشانه، محله تقسيم شدند. اين ها عناصري هستند كه مردم به كمك آنها در ذهن خود، سامان فضايي مكان و آن چه را كه در آن مي‌گذرد، درك ميكنند.

يكي از عناصري كه در دسته بندي 5 عنصري لينچ به آن اشاره شد، نشانه landmark است. نشانه امروزه در تشكيل و بازخواني تصاوير ذهني مردم، به عنوان يكي از عناصر اصلي نقش كليدي را ايفا ميكند. مفهوم نشانه در ديدگاه لينچ نقاط و كانونهايي خاص هستند كه مردم به آنها ارجاع ميدهند. اين است كه نشانه مكاني را معرفي ميكندكه براي مردم از بيرون تجربه ميشود و تنها به جهت ارجاع و اشاره از آن استفاده ميكنند. نشانه مي‌تواند به دليل فرم خاص، كاربري، فعاليت يا هر جنبه ثبت پذير ديگري در ذهن مردم و كاربران فضا تثبيت شده و از آن به عنوان يك نقطه ارجاع و ادرس دادني استفاده شود.

نشانه ميتواند در مقياسهاي متفاوتي از شهر مطرح باشد. به عنوان مثال برج ميلاد،‌ نشانه اي در مقياس شهر تهران است. مردم با استفاده از آن در پرسپكتيو ديدشان ، ميتوانند جهت و موقعيت خود را در شهر تشخيص دهند. در مقايسه با نشانه هاي كلان شهري، دسته اي از نشانه ها در مقياسهاي خردتر ، همچون محلات ، نقش نشانه اي دارند. براي مثال ميتوان از يك ساختمان خاص محلي، كه داراي فرمي متفاوت و خاص يا يك ساختمان عمومي با كاربري خاص مانند بيمارستان، مسجد،‌ ... نام برد. در اين مقياس، افراد محلي، براي آدرس دهي به يكديگر و بعضا افراد نا اشنا با محل، از اين نشانه ها كمك ميگيرند و سعي در شفاف سازي مسير با اشاره و استفاده از ويژگيهاي شاخص آن نشانه دارند. باید توجه کرد که نشانه ها از هر مقیاسی که باشند، الزاما کالبدی و فیزیکی نیستند و می توانند ریشه در کاربری، خاطرات و ابعاد غیر فیزیکی مکان داشته باشند.

نشانه ای که توسط لینچ مطرح می شود، موضوعی برای خوانایی و آدرس پذیری مکان است. این نشانه چه از جنس فیزیکی و غیر فیزیکی نقشی مرتبط با استفاده مردم از مکان دارد. اين بدان معناست كه مردم ، شهر و فضاي شهري را ،‌به كمك نشانه‌ها به عنوان يكي از عناصر تصوير ذهني ،‌تصوير و در ذهن ثبت ميكنند.

نشانه SIGN

استفاده از نشانه و صحبت پيرامون آن ، به صورت يك مفهوم ،اگر چه پيشينه اي بس طولاني در طول تاريخ زندگي بشري داشته است، اما رويكرد نوين به آن ‌در سالهاي اخر قرن نوزده توسط دو انديشمند به صورت همزمان اما مجزا و هر يك بي خبر از ديدگاههاي ديگري شكل گرفته و منجر به بازشناسي، تعريف و ارائه مباني مدوني براي اين دانش بوده است.

مونژن فردينان دو سوسور، زبان شناس سوئيسي از نخستين بنيانگذاران دانش نوين نشانه شناسي از يك سو و چارلز سندرس پيرس، فيلسوف و منطق دان آمريكايي از سوي ديگر ، اولين مدلهاي تدوين شده براي نشانه در رويكرد نشانه شناسي را معرفي كرده‌اند. راه نشانه شناسي نوين پس از اين دو انديشمند،‌ توسط ديگراني در زبان شناسي گسترش و سپس به حوزه هاي ديگري چون موسيقي ، تاتر ، سينما، عكاسي ، نقاشي و گرافيك و ... تسري يافت.

در يك نگاه كلي بايد گفت، نشانه شناسي رويكردي به موضوع معنا و تفسير است. اين رويكرد، از نشانه به عنوان عنصر و بنياد خود، در جهت شناخت و دريافت اين موضوع كه ما چگونه جهان پيرامون خود را معني، تفسير و تاويل ميكنيم، بهره جسته است. در واقع نشانه به عنوان بنيادي‌ترين مفهوم نشانه شناسي، الگوي معنا و انتقال پیام در اين دانش است.

بر اساس آن چه كه پيرس در تعريف نشانه مي‌گويد، نشانه هر چيزي است كه بر چيز ديگري اشاره ميكند . بر اين اساس مي‌توان گفت كاركرد يك نشانه ،انتقال پيام است. موضوع نشانه شناسي،‌ بررسي رابطه اي است كه ميان آن دو چيز به عنوان رابطه دلالت شكل ميگيرد. اين رابطه دو سر دارد، دال: چيزي كه ارجاع ميدهد ، مدلول چيزي كه به آن ارجاع داده ميشود.

در نظام نشانه‌اي زبان هر نام يا كلمه ،‌يك نشانه است، زيرا بر چيزي غير از خود دلالت ميكند. مثلا واژه ميز، با سه حرف م، ي ، ز، اگر چه در ذات خود داراي معني ميز به عنوان شي اي كه در تصور ما قرار دارد، نيست، اما به صورت قراردادي براي اشاره كردن به يك مفهوم يا چيزي جداي از موجوديت خود انتخاب شده است. همينطور است نام هاي افراد ،‌اشيا و ...

سوسور در ارائه منظور و مفهوم خود از نشانه الگويي ارائه كرده است. در الگوي سوسوري از نشانه، به وجود يك دال و يك مدلول كه در تركيب جدايي ناپذيري چون دو روي سكه با يكديگر قرار دارند اشاره مي‌شود. دال يا تصور صوتي همان چيزي است كه براي اشاره به چيز ديگر انتخاب شده است و مدلول همان تصور مفهومي كه نشانه به آن ارجاع ميدهد.

مدلول

دال

شکل 1 : الگوي سوسوري نشانه

به عنوان يك مثال ديگر مي‌توان به كلمه باز به عنوان يك مثال زباني (وقتي كه در ورودي يك فروشگاه با آن برخورد ميكنيم) اشاره كرد كه نشانه‌اي است مركب از:

يك دال : واژه ي باز كه بر روي يك تابلو نوشته شده است.

يك مدلول: (مفهوم) كه فروشگاه براي خريد باز است. (چندلر, 1387, ص. 43)